

بررسی تأثیر تشیع بر فرهنگ و مدنیت خراسان بزرگ مبتنی بر جایگاه و نقش راهبردی امام رضا علیه السلام

میلاذ دهقانی^۱

مرضیه فردوسی^۲

چکیده

مهم ترین ویژگی دوران امامت امام رضا علیه السلام حضور ایشان در مهد فرهنگ و تمدن سرزمین خراسان بزرگ بود. توسعه قلمرو خلافت اسلامی در دوران مأمون تا خراسان و کنار رود جیحون از آن جهت که نمود گسترش اسلام بود، مسرت بخش می نمود اما جهت نگرانی آن، مواجهه با فرهنگ و تمدن ادیان مختلف بود که جنبه تمدنی و علمی اسلام را به چالش می کشیدند. یکی از برداشت های تاریخی این است که مأمون خود بهره ای از علم برده بود با درک به موقع این چالش و پس از استیصال خود و اطرافیانش، متوسل به عالم آل محمد امام رضا علیه السلام شد لذا بر آمدن ایشان به دربار خلافت اصرار ورزید.

امام علیه السلام هم از این فرصت حسن استفاده کرده و در مدت اقامت کوتاه در خراسان، گفتمان های متعددی با گروه های مختلف داشتند. در این پژوهش که به صورت توصیفی-تحلیلی تدوین شده نشان می دهد که موضع گیری و فعالیت حضرت در حوزه ی فرهنگ-تمدن خراسان، توانست راه رشد و شکوفایی دستاوردهای این تمدن را با صبغه ی اسلامی، هموار و تسریع کند.

در نتیجه بازخورد و برکات علمی حضور با برکت حضرت در سرزمین خراسان را می توان در تألیف و تدوین مهم ترین منابع حدیثی-علمی اسلام یعنی دو کتاب شیخ طوسی از کتب اربعه شیعه و صحیح بخاری، نسائی، ترمذی از صحاح سته اهل سنت، احیاء سنت رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام، تبیین و تثبیت معارف اسلامی، نخبه پروری،

۱. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱



روشنگری و بصیرت افزایی و در نهایت رونق شیعه و آشنایی تمام فرقه های اسلامی با امامت ایشان دانست.

کلیدواژه ها: امام رضا علیه السلام، خراسان بزرگ، مدنیت، گفتمان تمدنی.



۱. بیان مسئله

یکی از نقاط عطف تاریخ ایران در جریان تبدیل شدن ایران به یک کشور شیعی بزرگ حضور امام رضا علیه السلام در خراسان است. حضور امام رضا علیه السلام در خراسان به عنوان یکی از مهم‌ترین رخداد‌های تاریخ علویان و از جمله عوامل رشد و گسترش تشیع در ایران بوده است. ضرورت‌های دعوت امام علیه السلام و نیز مقوله واگذاری ولی عهدی به ایشان یکی از وقایع بدیع تاریخ خلافت عباسی و همچنین نقطه عطفی در تاریخ تشیع به حساب می‌آید، اگرچه که هجرت امام رضا علیه السلام به مرو چیزی جز اصرار و زور مأمون برای رسیدن به اهداف شیطانی‌اش نبود.

نکته‌های مهم و قابل توجه در برکات حضور امام علیه السلام در خراسان بیش از هر چیز به عملکرد ایشان بر می‌گردد. سیره و برخوردهای امام در ایام حضور در مرو نظرها را بسیار متوجه امام رضا علیه السلام نمود و این بیش از هر چیز بر ناخرسندی مأمون و درباریان‌ش می‌افزود. با توجه به هجرت امام رضا علیه السلام به خراسان بزرگ و پیامدهای حضور امام علیه السلام در آن شهر، می‌توان این هجرت را هدفمند و آگاهانه قلمداد نمود. همچنین مرقد ایشان به پایگاهی برای فرهنگ، تمدن و حضور گسترده زائرین تبدیل شد و هجرت تاریخی امام رضا علیه السلام ولو با سیاست‌های شیطانی مأمون مبدأ فرهنگ و تمدن در خراسان بزرگ شد. مسئله و هدف این مقاله بررسی ابعاد بازخورد و برکات حضور امام رضا علیه السلام در خراسان بزرگ است یعنی اینکه حضور امام رضا علیه السلام در خراسان چه برکات و آثاری در پی داشته و چگونه باعث ترقی و پیشرفت اسلام شده است؟

در این مقاله ابتدا نگاهی گذرا به تعریف لغوی و اصطلاحی واژه تمدن و ویژگی‌ها و عوامل تمدن می‌شود سپس توضیح مختصری از مؤلفه و شاخص‌های تمدن در زمان حضور امام رضا علیه السلام و وضعیت تمدن در آن زمان داده می‌شود و در نهایت به بررسی نقش حضرت در تکامل و توسعه آن متغیرها و برکات در خراسان بزرگ پرداخته می‌شود. به این صورت که حضور امام رضا علیه السلام در خراسان باعث تلاقی اسلام و مدنیت و در نهایت پیشرفت زندگی بشری همراه با ارزش‌های والایی شده است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

۲. تعریف و مفهوم شناسی تمدن

تمدن مصدر عربی از باب تفعّل و اسم مصدر فارسی است. تمدن در لغت به معنای شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود است (عمید، ۱۳۷۶، ۱/۶۱۵). ابن منظور می‌گوید: «حاضر اقامت در شهر و روستا است، حضارت اقامت در حضر است و حاضر و حاضر، کوی یا قوم بزرگ است» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۹۷/۴).

واژه شناسان درباره معنای اصطلاحی تمدن یا مدنیت دیدگاه‌های گوناگونی دارند. ابن خلدون تمدن را موجود زنده‌ای می‌داند که متولد می‌شود، رشد می‌کند، تغذیه می‌کند و به دوره شکوفایی می‌رسد، کامل می‌گردد و پس از آن آهسته آهسته رو به کهولت و ضعف می‌رود و آن‌گاه می‌میرد (قانع، ۱۳۷۱، ۲۵). ویل دورانت می‌گوید: «تمدن نظامی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند (دورانت، ۱۳۳۷، ۴/۱). تمدن بالاترین سطح گروه‌بندی فرهنگی مردم و گسترده‌ترین هویت فرهنگی است که می‌توان انسان‌ها را با آن طبقه‌بندی کرد (هانتینگتون، ۱۳۷۵، ۳۸-۳۷). اگرچه درباره «تمدن» یا «مدنیت» تعاریف بسیاری ارائه شده اما باید متذکر شد که تمدن صورت مادی حیات انسان در عرصه خاک است (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷، ۳۸). در واقع می‌توان گفت تمدن خلاصه تمام پیشرفت‌های انسانی در زمینه‌های مختلف است.

۳. عوامل و ویژگی‌های تمدن

بشر از قدیم‌الایام تا به امروز آثار مختلفی به وجود آورده است. گاه تمدن‌های بزرگی خلق کرده که تا هزاران سال بر جای مانده است، تمدن‌هایی که در آن ویژگی‌هایی وجود دارد که باعث شکوه و عظمت آن‌ها شده است. ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرج و مرج و ناامنی وجود نداشته باشد چرا که در صورت نبود این‌ها تمدن به وجود می‌آید. هر تمدنی عوامل و ویژگی‌های خاص خود را دارد اما می‌توان چند ویژگی را برای همه تمدن‌ها برشمرد که عبارت‌اند از: ۱- همه تمدن‌ها دارای مقررات و قوانینی هستند که معمولاً به صورت مجموعه‌ای مکتوب است. ۲- همه تمدن‌ها دارای نوعی دولت هستند.

۳- همه تمدن‌ها خط و الفبایی برای ثبت و ضبط وقایع دارند. ۴- در همه تمدن‌ها اشکال و انواعی از هنر و فعالیت‌های هنری پیدا می‌شود. ۵- همه تمدن‌ها دارای نوعی معتقدات دینی با سلسله مراتبی از روحانیون و نهادهای دینی استقرار یافته هستند. ۶- همه تمدن‌ها علوم را تکامل می‌بخشند (قهی کرمی، ۱۳۸۶، ۱۰۹-۹۰).

همچنین در همه تمدن‌ها چهار رکن و عنصر اساسی وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱- پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی: شکار، کشاورزی، صناعات، سازمان اقتصادی

۲- سازمان سیاسی: تمدن، دولت، قانون، خانواده

۳- سنن اخلاقی: ازدواج، اخلاق جنسی، اخلاق اجتماعی، دین

۴- کوشش در راه معرفت و بسط هنر: ادبیات، علم، هنر (جعفرآقایی، ۱۳۹۰، ۱۰۳)

ظهور تمدن و رشد و اضمحلال آن تحت تأثیر عوامل جغرافیایی، زمین‌شناختی، اقتصادی، نژادی و روانی قرار می‌گیرد. اهمیت عوامل اقتصادی در ظهور تمدن و رشد و انحطاط آن از سایر عوامل بیشتر است؛ چرا که ممکن است در ملتی، افراد باهوش، شجاع و نیرومند وجود داشته باشد اما نبود اقتصاد قوی و نداشتن خوراک و تغذیه مناسب سبب شود که آن‌ها وقت خود را به شکار و صید بگذرانند در نتیجه تمامی این قدرت و هوش و شجاعت به‌جای اینکه صرف تمدن و مدنیت شود، صرف شکار و صید می‌گردد.

انحطاط عقلی یا اخلاقی که در نتیجه زیستن در شهرهای پر از لهو و لعب است، ضعیف شدن نژاد و تمرکز مرگ‌آور ثروت‌ها که نتیجه آن جنگ طبقات خانمان‌سوز مایملک عمومی است، از عواملی هستند که ممکن است سبب فناى تمدن شوند (دورانت، ۱۳۳۷، ۷-۸/۱).

۴. تمدن خراسان بزرگ در آن زمان

خراسان بزرگ از گذشته تا به امروز شاهد ظهور و افول دولت‌های بی‌شماری بوده و فراز و نشیب‌های زیادی به خود دیده است اما در برابر این حوادث، قوی و محکم بر پای ایستاده و تمدن عظیم و باشکوهی ساخته که آوازه آن به گوش تمام مردم جهان رسیده و بر زبان‌ها جاری است. در گذشته، ایران به هشت قسمت تقسیم شده بود که شکوفاترین و بزرگ‌ترین قلمرو آن ایران بوده است. خراسان بزرگ یکی از مراکز تمدن بشری در آن زمان بوده که در پیدایش و پیشرفت دانش و فرهنگ و عناصر تمدنی نقش بسزایی

داشته است و از لحاظ تاریخی و فرهنگی بسیار گسترده‌تر از خراسان ایران معاصر است، به‌گونه‌ای که قلمرو خراسان بزرگ در آن زمان شامل استان‌های خراسان ایران، بخشی از افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان بوده است (گیرشمن، ۱۳۷۲، ۷). لذا خراسان سرزمین پهناور و همواری بود که به‌خاطر موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای که داشت از قدیم‌الایام مورد توجه بشر و بستر فعالیت‌های او بوده است.

همچنین به خاطر مسائل سیاسی، اقتصادی و مذهبی از اهمیت زیادی برخوردار بود، بالأخص شهرهای نیشابور، مرو، هرات و بلخ که از اهمیت خاصی برخوردار بودند. مرو مهم‌ترین شهر خراسان و مرکز خلافت عباسی بود که به واسطه نزدیکی به خوارزم و ماوراء النهر از یک طرف و اتصال آن به سرخس و نیشابور از طرف دیگر از نظر نظامی و تجاری موقعیتی خاص داشته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۳/۲۰۷۱۲). حضور امام رضا علیه السلام در مدت اقامت دو ساله در این شهر منجر به علاقه‌مندی بسیاری از مردم این شهر به آن حضرت و آشنایی آنان با تشیع شد. مرو، شهر همواری بود که بسیار برای زراعت خوب بود و در آن دروازه‌ها، مساجد، کتابخانه‌های عظیم و رودهای زیادی وجود داشت. شهر مرو جدا از موقعیت سیاسی و اداری به لحاظ کشاورزی و تجاری نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود. در مرو پرورش کرم ابریشم رونق زیادی داشت. همچنین رونق کشاورزی در این شهر سبب شده بود تا میوه‌ها و محصولات فراوان در این شهر حاصل شود (اکبری، ۱۳۸۹، ۲۶ و ۲۷).

همچنین این سخن یعقوبی که می‌گوید: «سرخس سرزمین باشکوه و بزرگی است که در ریگزار قرار دارد» (یاقوت حموی، بی‌تا، ۹۷/۱). شرایط اقلیمی خراسان ایجاب می‌کرد که راه‌های شرقی و غربی از ناحیه سرخس بگذرد زیرا مرکز خراسان شمالی را صحراهای خشک فرا گرفته بود که بخش‌های آباد را در شرق و غرب آن از هم جدا می‌کرد. سرخس مدخل بخش غربی در حدفاصل بین مرو و نیشابور واقع بود. مرو هم از شمال شرقی سرخس برای مسافرینی که از شرق به غرب خراسان می‌رفتند، همین‌گونه جلوه می‌کرد. نیشابور شهری بزرگ و بسیار آباد و مساحتش یک فرسخ در یک فرسخ بود و دارای شهر، قهندز، حومه و مساجد بزرگ و دارالاماره بود. در نیشابور کاریز و قنات‌های زیادی وجود داشت که باعث رونق کشاورزی شده بود (عرفان منش، ۱۳۸۲، ۱۲۵ و ۱۴۷).

موقعیت خاص هرات نیز به گونه‌ای بود که چهار دروازه آن به سوی شهرهای مهم

خراسان و عبور کاروان‌های تجاری قرار داشت. وجود این دروازه‌ها و رونق تجارت در آن سبب شده بود تا هرات به منزله قلب خراسان محل تقاطع راه‌ها و کاروان‌های تجارتی به حساب آید. (اکبری، ۱۳۸۹، ۳۶).

بلخ نیز یکی از کهن‌ترین بلاد تمدن‌های خراسان است و سرزمین حاصل‌خیزی است که روستاها و باغ‌های سرسبز بسیاری در آن وجود داشت. شرایط اقلیمی نامساعدی داشت اما موقعیت جغرافیایی و نظام آبرسان مصنوعی کمبود آن را جبران می‌کرد. بلخ سرزمینی بود که از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و مذهبی از موقعیت و جایگاه بسیار بالایی برخوردار بود (رحمانی، ۱۳۹۱، ۱۶). لذا خراسان از لحاظ علمی و فرهنگی در سطح بالایی بود ولی رونق علمی و فرهنگی نیشابور از سایر شهرهای خراسان بیشتر بود. کتابخانه عظیمی در آنجا دایر بود و شاعران زیادی به نیشابور سفر می‌کردند. در نقشه زیر، موقعیت خراسان در عصر امام رضا علیه السلام نمایش داده می‌شود.

۵. مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن در عصر حضرت رضا علیه السلام و وضعیت تمدن در آن زمان

عصر امام رضا علیه السلام همزمان با خلافت عباسیان بود. دوران کودکی امام علیه السلام مقارن با خلافت منصور عباسی بود. امام رضا علیه السلام به مدت ۲۰ سال پیشوایی و امامت امت اسلامی را به عهده داشت که این مدت را به سه دوره تقسیم کرده‌اند:

- ۱- مدت ۱۰ سال از امامت امام علیه السلام مقارن با خلافت هارون الرشید بود.
- ۲- ۵ سال بعد را در عصر امین به سر بردند.
- ۳- ۵ سال آخر نیز مصادف با خلافت مأمون بود که مهم‌ترین دوره تاریخ حیات آن بزرگوار به شمار می‌رود (اکبری، ۱۳۹۵، ۵۰).

تمدن عصر عباسی همانند هر تمدن دیگری دارای شاخص‌ها و ویژگی‌هایی است که آن را از سایر تمدن‌ها جدا می‌کند. این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها عبارت‌اند از:

الف - وضعیت جغرافیایی

وسعت قلمرو خلافت عباسی در زمان خلافت هارون و پسرش مأمون به اوج خود رسید و با فتوحات خود توانستند مناطق بسیاری را به زیر سلطه خود ببرند. کشور آن‌ها تا سر حد «چین» اتصال پیدا کرد و در آفریقا هم بربرها در برابر حملات اعراب تا «حبشه»

متواری شدند و از سمت مغرب دامنه حکومت عباسیان تا اقیانوس اطلس وسعت پیدا کرده بود (سازندگی، ۱۳۹۴، ۳۷).

مساحت مناطق دولت عباسی بیش از مساحت قاره اروپا بود (زیدان، ۱۹۹۷، ۱۰۸/۱). لذا سرزمین عباسی دارای مناطق جغرافیایی و آب و هوایی متنوعی بود، بخشی از این کشور پهناور در مناطق سرد، بخشی در مناطق گرم و بخشی در مناطق معتدل یا استوایی گرم قرار داشت. از سوی دیگر قله‌های مرتفع کوه‌ها، بیابان‌های گسترده و حاصل خیز دره نیل و سرزمین بین‌النهرین و دشت‌های ساحلی آفریقا و آسیا در حوزه فرمانروایی حکومت عباسیان قرار داشت. همچنین طولانی‌ترین و پر آب‌ترین رودهای جهان را در خود داشت که کشتی‌ها در این رودها حرکت می‌کردند (مکی، ۱۳۸۳، ۳۹).

ب- وضعیت ادیان و طبقات

در جامعه عباسی عناصری چون عرب، ایرانی، ترک، رومی، سیاهان و... وجود داشت. ادیان و مذاهب مختلف نیز در آن دوران وجود داشت که این ادیان تشکیل‌دهنده قدرت‌های فشار و مناظرات اجتماعی بر محور ایمان و باورهای مذهبی بودند. در میان این ادیان، اسلام دین رسمی و محور اساسی حکومت عباسیان بود.

ج- وضعیت اقتصادی، صنعت، ارتباطات و عمران و شهرسازی

در عصر عباسی، جمعیت زیادی در روستاها زندگی می‌کردند. روستانشینان برای تأمین مخارج زندگی خود به کشاورزی و آبادانی زمین پرداختند. بدین ترتیب کشاورزی در آن دوران رونق زیادی یافت. هرچند روستاها سبب رونق کشاورزی شدند اما درخشش تمدن عباسی در شهرها بود.

د- وضعیت فرهنگ

فرهنگ به طور خلاصه یعنی کسب همه دانش‌ها، ادبیات و هنرها. منابع فرهنگ در عصر عباسی از اسلام، یونان، ایران و هند گرفته شده است. در این میان، اسلام مهم‌ترین منبع فرهنگ به‌شمار می‌رود اگر چه که فرهنگ یونانی، ایرانی و هندی نیز بر فرهنگ عباسی تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. در عصر عباسی فرهنگ جایگاه ویژه‌ای داشت و از فضای مناسبی برخوردار بود. به این صورت که خلفای عباسی از علم و عالمان حمایت می‌کردند، آنان را گرامی می‌داشتند و جلسات و محافل علمی تشکیل می‌دادند و از عالمان درخواست می‌کردند که در این محافل شرکت کرده و با یکدیگر مناظره علمی کنند. عکس العمل

مردم نیز به فرهنگ مثبت بود و مردم نیز سعی می‌کردند که در این جلسات شرکت کنند و بهره ببرند. دستاوردهای علمی در عصر عباسی محدود به علوم محض نیست و شامل همه دانش‌ها مانند تاریخ، جغرافیا، نجوم، ستاره‌شناسی، ریاضیات، کیمیا و گیاه‌شناسی، پزشکی و داروسازی می‌شود (ر.ک: تاریخ التمدن الاسلامی، ۱۹۹۷).

تمدن عصر عباسی به تنهایی یک جهان است. این تمدن، جهانی از رفتارهای تکامل‌بخش و متقابل سرزمین، انسان، زمین و حوادث است که همدیگر را تکمیل می‌کنند. غنای منابع و سرچشمه‌های طبیعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تمدن عصر عباسی موجب تعدد پدیده‌های این تمدن در زمینه‌های مختلفی شده است، چون وضعیت سیاسی، نظام اداری، سطح معیشت، گونه‌های رفتار، الگوهای عمران، راه‌های ارتباطی شهرها و روستاها، شبکه راه‌های زمینی و دریایی که مناطق مختلف را به هم مرتبط می‌ساخت و سبب تسهیل بازرگانی و تجارت و تسریع تبادل و انتقال فرهنگ‌ها بود و به پایتخت امکان می‌داد تا بر مناطق دوردست کشور پهناور عباسی سیطره و حاکمیت داشته باشد. پیشرفت علوم ادبی در این دوره به‌خاطر توجه و عنایت مسلمانان به علوم قرآن و حدیث بوده است و این علوم سیر تحول و تکامل خود را پیمود، چنانکه در قرن پنجم و ششم هجری به اوج ترقی و تعالی خود رسید. مسلمانان با استناد به آیات قرآن ترغیب و تشویق شدند از علمی که در بلاد دیگر است آگاهی یابند و منابع علمی خود را قوی‌تر کنند. بدین سبب دست به ترجمه زدند و کتاب‌های یونانی را به زبان عربی ترجمه کردند. از اینجا بود که نهضت ترجمه آغاز شد (ولایتی، ۱۳۸۶، ص ۲۹). نهضت ترجمه پیامدهایی داشته است از جمله پیامدهای نهضت ترجمه، توسعه تمدن اسلامی از طریق رویارویی با تمدن‌های قدیم ایرانی، یونانی، هندی و مصری، روی آوردن از ایمان ساده و تقلیدی به ایمان علمی، رشد و گسترش علوم مختلف از قبیل کلام، طب، فلسفه و نجوم، حضور فعال دانشمندان اهل کتاب در بغداد و توجه خلفا به آن‌ها که سبب ترجمه آثار تمدن‌های قدیمی شد، افزایش مدارس و مکتب‌خانه‌ها در کنار مساجد و تأسیس کتابخانه و بیت الحکمه و ایجاد رصدخانه و انتشار کتاب و نسخه‌برداری است.

در عصر هارون الرشید نهضت عمران اوج گرفت، تمدن اسلامی به برتری رسید و علوم و ادبیات پیشرفت زیادی کرد. عصر هارون الرشید را بالاترین مرتبه شکوفایی سیاسی اسلامی و گسترده‌ترین پیشرفت‌ها در عمران، تمدن، ادبیات و علوم می‌دانند (فروخ،

۱۳۷۶، ۳۶). لکن عصر مأمون درخشان‌ترین دوران علم و فرهنگ بود. مأمون در زمان خلافت خویش، علم و دانش را ترویج کرد و پایگاه دانشمندان را بالا برد و آن‌ها را به خود نزدیک ساخت و مجالس بحث و مناظره آزاد با آنان تشکیل داد و این به سبب شیفتگی و علاقه او به توسعه علوم و معارف بود (فضل الله، ۱۳۸۵، ۹۶). مأمون خود در تشکیل محافل علمی و مناظرات دانشمندان با امام اصرار داشت ولی از فراخوانی امام به مناظرات سخت پشیمان شد و پیش‌بینی امام در مورد وی تحقق یافت. علت پشیمانی نیز روشن است. مأمون با اهدافی چون تحقیر امام و شخصیت علمی او، سرگرم ساختن جامعه به این‌گونه جلسات و تحت الشعاع قرار دادن امور سیاسی و... به این اقدام دست زد و چون خود را در رسیدن به آن اهداف ناکام یافت، نادم و پشیمان شد تا جایی که برخی همین رخدادها را زمینه ساز شهادت آن حضرت دانسته‌اند (معینی، ۱۳۸۱، ۴۶). همچنین مأمون از گسترش تشیع و جنبش‌های علویان بیمناک شد، چرا که مهم‌ترین مشکل مأمون بعد از کشتن امین و قیام‌های مختلف، امام رضا علیه السلام و شیعیان او بود، به همین خاطر امام علیه السلام را با تهدید و اجبار از مدینه به مرو برد.

مرو مشهورترین شهر خراسان است و نیشابور هم که یکی از شهرهای خراسان است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (یاقوت حموی، بی‌تا، ۵/ ۱۱۲ و ۱۱۳). مأمون امام را مجبور به پذیرش ولی‌عهدی کرد لذا امام علیه السلام نیز بر خلاف میل باطنی‌اش آن را پذیرفت. در آن شرایط، این اقدام از نظر مأمون سنجیده‌ترین طرحی بود که می‌توانست حکومت او را از خطر سقوط حفظ و منافعش را تأمین و باعث جلب رضایت افکار عمومی شیعیان شود؛ در حقیقت سفر امام از مدینه به مرو از لحاظ جغرافیای طبیعی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی کاملاً حساب‌شده و زیرکانه بود. هرچند این سفر با توطئه مأمون بود اما امام با قبول ولی‌عهدی دست به حرکتی می‌زنند که در تاریخ زندگی ائمه پس از پایان خلافت اهل بیت علیهم السلام در سال چهل‌م هجری تا آن روز و تا آخر دوران خلافت بی‌نظیر بوده است و آن برملا کردن داعیه امامت شیعی در سطح عظیم اسلام و دریدن پرده غلیظ تقیه و رساندن پیام تشیع به گوش همه مسلمانان است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ۳۱۵).

تمدن و مدنیت در عصر امام رضا علیه السلام در اوج و شکوفایی خود بود و در زمینه‌های فکری، ادبی، عمران و تشکیلات اداری و سیاسی درخشید. علت پیشرفت تمدن در عصر

امام رضا علیه السلام بنا به دلایل بی شماری است. از جمله نیازمند بودن جامعه آن روز به علمی چون پزشکی، حضور فعال نخبگان علم دوست ایرانی در دربار عباسیان، فتح سرزمین‌های مختلف توسط مسلمانان و نیاز به اخذ مالیات و گرداندن حکومت که نیازمند فراگیری علمی بود که به این کارها نظم بخشد.



۶. نقش حضرت رضا علیه السلام در تکامل و توسعه این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها

سفر علی بن موسی الرضا علیه السلام به خراسان بزرگ و پذیرش ولی‌عهدی او هر چند بر خلاف میل باطنی‌اش بود اما در این سفر تاریخی وقایع و رویدادهایی اتفاق افتاد که در تاریخ اسلام سرنوشت‌ساز بوده است. در حقیقت مهم‌ترین بازتاب‌های هجرت امام رضا علیه السلام در خراسان اتفاق افتاد. از برکات وجودی حضور امام رضا در ایران که باعث تلاقی اسلام و مدنیت شد، می‌توان به رشد حوزه‌های علمی و گسترش تشیع، گفتمان‌های حضرت با ادیان مختلف، شاگردان تربیت شده، توسعه علوم کلامی، کتاب‌هایی که خود امام رضا و دیگر دانشمندان اهل سنت و شیعه نوشته‌اند، وجود قدمگاه‌ها، ایجاد حوزه علمیه مشهد، تشکیل ساختار آستان قدس رضوی، مرقد مطهر ایشان و مسجد گوهرشاد که امروزه مورد استقبال تمامی مسلمانان جهان واقع شده و برای زیارت از گوشه و کنار دنیا به این مکان مقدس می‌آیند، اشاره کرد که همه این‌ها در رشد و گسترش تشیع در ایران تأثیر به‌سزایی دارد.

۶-۱. رشد حوزه‌های علمیه و گسترش تشیع

از جمله مسئولیت‌های مهم امام رضا علیه السلام از یکسو ارشاد و هدایت مردم به سوی قرآن و سیره پیامبر و از سوی دیگر تعلیم و تربیت مردم و توجه دادن آنان به علم و دانش و مبارزه با جهالت و شبهات و سرانجام تربیت شاگردان و عالمان بوده است. امام رضا علیه السلام هم در مدینه و هم زمانی که به مرو هجرت فرمودند، همواره پاسخگوی عالمان بودند. ایشان می‌فرمایند:

«كُنْتُ أَجْلِسُ فِي الرَّوْضَةِ وَالْعُلَمَاءُ بِالْمَدِينَةِ متوافرون، فَإِذَا أَغْيَا الْوَاحِدِ مِنْهُمْ عَنْ مَسْأَلَةٍ أَشَارُوا إِلَيَّ بِأَجْمَعِهِمْ وَبَعَثُوا إِلَيَّ بِالْمَسَائِلِ فَأَجِيبُ عَنْهَا؛
من در روضه منوره نبی می‌نشستم در حالی که علمای بسیاری در مدینه حضور داشتند،

هنگامی که یکی از آنان در پاسخ سوالی درمأنده می شد افرادی را به نزد من می فرستاد و من پاسخگوی آنان بودم» (طبری، ۱۴۱۷، ۶۴/۲). امام رضا علیه السلام طی اقامت خود در مرو برای ترقی اندیشه و اعتقادات مردم تلاش بسیار نمود. ایشان با تشکیل محافل علمی، کلامی و حدیثی به دفاع از اصول اسلام و فرهنگ اهل بیت علیه السلام پرداخته و به شبهات و ایرادات فرق مختلف پاسخ می فرمایند (منصور زعیم، ۱۳۹۳، ۱۰۶).

۲-۶. گفتمان با مذاهب و مکاتب مختلف

علاقه مندی دستگاه خلافت عباسی به مناظرات و مباحث علمی موجب شد تا دانشمندان مذاهب گوناگون در محافل علمی شرکت کنند. یکی از وقایع مهم حضور «عالم آل محمد» امام رضا علیه السلام در خراسان مسئله مناظرات علمی آن حضرت با دانشمندان مذاهب گوناگون بود. در تاریخ اسلامی، عصر امام رضا علیه السلام را عصر طلایی نامیده اند و این نامگذاری به خاطر پیشرفت در عرصه عمران و کشاورزی و سلطه و سیطره دولت اسلامی بر بیشتر مناطق جهان بود (قرشی، ۱۳۸۰، ۱۸۱/۲). حضرت رضا علیه السلام با مذاهب گوناگونی مناظره داشته است ولی ۷ مناظره از همه آنها مهم تر است که در ذیل به صورت مختصر به آن پرداخته می شود:

- ۱- مناظره با جاثلیق (عالم بزرگ مسیحی)
- ۲- مناظره با رأس الجالوت (پیشوای بزرگ یهودیان)
- ۳- مناظره با هزیر اکبر (پیشوای بزرگ زردشتیان)
- ۴- مناظره با عمران صابی
- ۵- مناظره با سلیمان مروزی
- ۶- مناظره با علی بن محمد جهم
- ۷- مناظره با ارباب مذاهب مختلف در بصره

نکات مهمی که از مناظرات امام به دست می آید این است که مناظرات امام علی بن موسی الرضا علیه السلام یک مسأله تاریخی و متعلق به گذشته نیست، بلکه از نظر پاسداری از حریم اسلام و خط مکتبی، سرمشق پراهمیت بسیار جامعی برای امروز و هر زمان دیگر است. جالب این است که در آن روز وسایل ارتباط جمعی مثل امروز گسترده نبود ولی امام از جلسات مناظره دربار مأمون به عنوان یکی از مؤثرترین وسایل ارتباط

جمعی آن روز بهره کافی گرفتند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ۹۵).

یکی دیگر از مظاهر شخصیت علمی امام رضا علیه السلام که شگفتی اطرافیان و شاهدان را همراه داشت، آشنایی کامل حضرت به زبان‌های مختلف بود. همچنین امام علاوه بر اینکه برای پرسش‌های مختلف عالمان ادیان و مکاتب، پاسخی درخور داشتند، بر مبنای اعتقادی شخص مخاطب سخن می‌گفتند و استدلال می‌کردند و این مظهر دیگری از توانمندی علمی امام بود. امام با اهل تورات به توراتشان، با رهروان انجیل بر مبنای انجیل و با حاملان زبور به زبور و... (معینی، ۱۳۸۱، ۴۱ و ۴۲).

از جمله مسائلی که امام رضا علیه السلام درباره آن مباحثی مطرح فرموده اند، تأکید بر واقعه غدیر، امامت و فضایل امیرمؤمنان علیه السلام است لذا از آن جهت فرصت مناسبی برای امام رضا علیه السلام در میان مردم فضای مناسبی به وجود آمد تا این مسائل مطرح شود. بنابراین حضرت در این زمینه مباحثی فراوان مطرح می‌کرد و به اثبات حقانیت خلافت علی علیه السلام در مقابل نظریه تقدم مفضول بر فاضل می‌پرداخت. چنان که نقل شده مأمون نیز این بحث را با علمای اهل سنت مطرح و آن‌ها را در این زمینه با اقامه ادله محکم ساکت و نظر آن‌ها را باطل کرد و برتری و امامت امیرمؤمنان علیه السلام را بر آنان ثابت کرد.

امام رضا علیه السلام در مقابل ناصبین، واقفیه، زیدیه و فرقه‌های منحرف از شیعه و فرقه‌های کلامی اهل سنت مثل اهل حدیث و معتزله اکثر روایاتی را که از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دوستی، ولایت، امامت، برتری و وجوب اطاعت امیرمؤمنان علیه السلام بود، مطرح و تشریح می‌کردند و بیشتر این مباحث فرصت استثنایی در مرو به وجود آمد که حضرت علیه السلام توانست اصل امامت را مطرح و امامت خود و حجت بودن خود بر اهل زمان را به صراحت بیان کرد. چنان که در حدیث سلسله الذهب پس از بیان توحید مسأله امامت خویش را مطرح و خود را از شرایط ورود به حصن الهی دانست که مردم گمان می‌کردند پس از توحید، نبوت و بعد از آن خلافت راه درستی است که انتخاب کرده‌اند. امام این گمان را باطل کرد و امامت را شرط اصلی تحقق توحید و ماندگاری راه رسالت بیان کرد.

از امام رضا علیه السلام در زمینه اثبات اساس امامت که از علی علیه السلام آغاز می‌شود ۷۳ روایت نقل شده که علاوه بر آن در مناظرات و پاسخ به سؤال‌ها این مسأله را مطرح

و در هر فرصت این اصل را بیان می‌فرمود. امام علیه السلام در احادیث خود به ترتیب از امامت عامه و اصل امامت شروع و به امامت خاص و ویژگی‌های امیرمؤمنان و سایر از خود می‌پرداخت و آشکارا خود را امام معرفی می‌کرد، در حالی که زمینه در دوره‌های قبل به این صراحت روشن نشده بود و لقب رضا به آن حضرت به این مناسبت از طرف پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله داده شده است، چون همه امت راضی شدند و ولایتش حتی مخالف بزرگی چون مأمون به فضلش اعتراف کرد.

۳-۶. شاگردان تربیت شده توسط امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام با توجه به محدودیت‌ها و مشکلاتی که در زمینه فعالیت‌های علمی و مذهبی داشتند از هر فرصتی برای آگاهی و تربیت رهروان خود استفاده می‌کردند. حضرت با حضور در مرو به شبهات و سوالات مردم پاسخ می‌داد (ابن خلدون، بی تا، ۳۸۳/۲؛ طبری، بی تا، ۵۶۵/۱۳). شاگردان و راویان امام نقش عظیمی در ارائه فرهنگ تشیع علوی و نشر آن در کشورهای گوناگون، از جمله ایران داشته اند. با ورود امام رضا علیه السلام به ایران در قرن سوم هجری، علما و شیفتگان ولایت به فراگیری فرهنگ علوی از آن امام پرداختند و پس از آن، در نقاط گوناگون ماوراءالنهر و ایران پراکنده شدند و به نشر معارف علوی پرداختند.

حضور امام علیه السلام در خراسان، موجب سازندگی افراد در ابعاد گوناگون علمی، فرهنگی و هنری شد و دانشمندان بسیاری در این مکتب تربیت شدند. از شاگردان امام رضا علیه السلام می‌توان به ابراهیم بن اسحاق نهبانندی، ابراهیم بن ابی محمود الخراسانی، ابراهیم بن محمد موسی الخراسانی، ابراهیم بن عباس صولی، ابراهیم بن محمد الهمدانی، ابراهیم بن هاشم، ابن سکیت، احمد بن ابی عبدالله البرقی و... اشاره کرد (رهنمایی، ۱۳۷۰، ۹۵/۷).

امام رضا علیه السلام در عرصه تربیت و پرورش شاگردان شایسته برای نشر معارف اسلامی گام‌های اساسی برداشته است و از رهگذر این جلساتی که تشکیل شد شاگردانی تربیت شدند که توانستند تشیع و اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه و آله را به گوش جهانیان برسانند. البته نقش امام رضا علیه السلام در توسعه علم و شکوفایی معارف اسلامی صرفاً در تربیت شاگردان بزرگ در علوم مختلف نبود بلکه نقش عمده در زمینه

توسعه علم، ایجاد فضای علمی مناسبی برای طرح نظریه‌ها و اندیشه‌های مخالف بود تا در سایه آزادی بیان، مطالبی طرح شود و سپس مورد نقد و بررسی منطقی و عقلانی قرار گیرد.

۴-۶. تألیفات و آثار منسوب به امام رضا علیه السلام

خراسان در دوران اولیه اسلامی به چهار قسمت تقسیم شد و آن‌ها عبارت بودند از: نیشابور، مرو، هرات و بلخ. این چهار شهر بزرگترین و پر اهمیت‌ترین شهرهای خراسان بودند. نیشابور را نیز به‌خاطر اینکه بزرگترین شهر خراسان بود، ابرشهر نامیده‌اند (اصطخری، بی‌تا، ۱/۱۴۵). امام علی بن موسی الرضا علیه السلام برای رفتن به مرو که در آن زمان مرکز حکومت مأمون بود از ناحیه خراسان و از شهرهای مهم نیشابور و طوس و سرخس عبور کرده تا به مرو رسیدند. نیشابور اولین شهری بود که در منطقه خراسان در مسیر راه امام قرار داشت (عرفان منش، ۱۳۸۲، ۱۲۴). تاریخ‌نگاران بر ورود امام به نیشابور اتفاق دارند. در حقیقت ورود امام به نیشابور را می‌توان پرشکوه‌ترین سفر امام قلمداد نمود. حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در سفر به ایران، کتاب‌هایی تألیف کرده است که در انتساب آن‌ها به امام قطع و یقین وجود ندارد. از جمله این تألیفات و آثار، حدیث سلسله الذهب، فقه رضوی، رساله ذهبیه، صحیفه الرضا و محض الاسلام است.

حدیث سلسله الذهب: هنگام ورود امام به نیشابور گروهی از دانشمندان و طلاب علم به محضر امام رسیدند و به خوبی از ایشان استقبال کردند. امام در میان جمعیت عظیمی که برای استقبال آمده بودند، احادیثی از اجداد خود بیان کردند که به «حدیث سلسله الذهب» معروف است. این حدیث با اینکه کوتاه است اما ریزنگری‌های فراوانی در آن دیده می‌شود.

فقه رضوی: یکی از تألیفاتی که به امام هشتم منسوب است، کتاب «فقه الرضوی» است. این کتاب از باب «مواقیت الصلاة» آغاز و به باب «القضاء و المشیه و الإراده» ختم می‌شود که به صورت فتاوا آمده است (نگاه کنید به: الفقه المنسوب للامام الرضا علیه السلام و المشتهد به (فقه الرضا)، ۱۳۶۴). البته در صحت و سقم و انتساب آن به امام رضا علیه السلام میان دانشمندان اختلاف وجود دارد. به هر حال نسبت این کتاب به امام هشتم خالی از شبهه و تردید نیست و شاید ظن نزدیک به یقین این است که کتاب مذکور تألیف امام نیست. (فضل الله، ۱۳۸۵، ۱۹۴)

رساله ذهبیه: طب الرضا یا رساله ذهبیه کتابی است پزشکی از امام رضا علیه السلام که وجود مبارک امام رضا علیه السلام آن را نگاشته‌اند. این کتاب از دو جهت دارای اهمیت است؛ اول اینکه کتابی است علمی در زمینه پزشکی و دیگر اینکه چون از ناحیه امام معصوم صادر شده، از اشتباهات مرسوم و رایج در علوم تجربی مبری است. رساله ذهبیه مجموعه بیانات ارزشمند علمی و پزشکی امام است که در آن با شرح خواص غذایی و اشربه، راهکارهای بهزیستی و بهداشت و سلامت را به انسان می‌آموزد و تکنیک‌های مقابله با بیماری‌ها و آسیب‌های روحی و روانی را مورد توجه قرار می‌دهد. این رساله به درخواست مأمون توسط امام تقریر و تحریر شده است. اهمیت و تأثیر اعجاب‌آور این اثر گوهر بار به قدری بود که مأمون را بر آن داشت تا دستور دهد آن را با آب طلا بنویسند (علی بن موسی علیه السلام، بی تا، ۳۷).

صحیفه الرضا علیه السلام: یکی دیگر از تألیفات امام هشتم، «صحیفه الرضا» است. کتاب صحیفه الرضا حاوی حدود ۲۲۰ حدیث پیرامون مسائل دینی، اخلاقی، تاریخی، فضیلت و شخصیت اهل بیت، ارزش علم، آداب زندگی و بیان فواید برخی از میوه‌ها و خوراکی‌هاست. نقل و تدوین این احادیث با همت تنی چند از محدثین بزرگوار انجام شده است. کتاب صحیفه الرضا از ذخایر ارزشمند نبوت، گنجینه‌های اهل بیت علیهم السلام و میراث پیشوایان دینی است. کتابی که به سبب رفعت و عظمت اسنادش به مرتبه بزرگی و شرف و اوج و عزت رسیده است (علی بن موسی علیه السلام، ۱۳۶۴، ۹ و ۱۴).

محض الأسلام: از دیگر کتاب‌هایی که به امام رضا علیه السلام منسوب است کتاب «محض الإسلام» و «شرایع الدین» است. «گفته شده است که مأمون از علی بن موسی الرضا علیه السلام درخواست کرد که کتاب محض الإسلام را به صورت کوتاه و خلاصه بنویسد و امام نیز آن کتاب را نوشت» (ابن بابویه، ۲ / ۱۲۱). البته درباره انتساب این کتاب نیز به امام رضا علیه السلام جای شبهه و تردید وجود دارد.

در حقیقت روح علمی در گفتار و کردار حضرت رضا علیه السلام نمایان است. از گفتار حضرت رضا علیه السلام، مباحثات با رهبران مذاهب، از سخنان آن حضرت درباره امور پزشکی، از آنچه حضرت درباره خداشناسی فرموده، پیدایش زمین، تغییر اشیا و مسائل علمی دیگر، از بحث آن حضرت درباره مسائل فقهی و همچنین تبیین آن حضرت از

فلسفه احکام و مباحثات آن حضرت درباره اخلاق، گستردگی معلومات آن حضرت ثابت می‌گردد. اثبات برتری علمی امام رضا علیه السلام نیاز به هیچ دلیل و برهانی ندارد بلکه با رجوع به کتاب‌های حدیثی می‌توان به مقام شامخ علمی آن حضرت پی برد. هر چند درباره انتساب بعضی از این کتاب‌ها به علی بن موسی الرضا علیه السلام تردید وجود دارد اما از این تألیفات می‌توان فهمید که این تألیفات حامل افکار و نظریاتی هستند که امام در دیدار با کسانی که طالب علم و معرفت از سرچشمه زلال دانش آن حضرت بودند، به دست می‌آید و آنچه در اینجا مهم است مدلول و محتوای آن کتاب‌هاست؛ چرا که همه تألیفات از برکات معنوی حضور امام رضا علیه السلام در خراسان است. در حقیقت حضور فعال و معنوی امام بود که باعث شد این کتاب‌ها تألیف گردد و بشر امروز بتواند از آن‌ها در حل معضلات و مشکلات استفاده نماید.

۵-۶. قرائت و تفسیر قرآن کریم

یکی از برکات حضور امام رضا علیه السلام در خراسان توسعه دانش قرائت است. در عصر امام رضا علیه السلام قاریان مشهوری بودند که از جمله این قاریان: أبو جعفر المدنی، نافع المدنی، طلحه بن مصرف، حمزه الزیات، حمید الأعرج، أبو عمرو بن العلاء، عیسی بن عمر، خلف بن هشام البرّاز بودند (ابن قتیبه، ۱۳۷۳، ۵۳۱/۱-۵۲۸).

درباره روایات تفسیری امام رضا علیه السلام باید گفت علما و محققان شیعه در دوران‌های گوناگون، با استعانت از روایات گران سنگ اهل بیت علیهم السلام، از جمله روایات امام رضا علیه السلام، تفاسیر ارزشمندی را نگاشته‌اند.

از مهم‌ترین این آثار می‌توان به تفاسیر زیر اشاره کرد: تفسیر ابو حمزه ثمالی، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، تفسیر فرات کوفی، تفسیر عیاشی، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین از ملا فتح الله کاشانی، تفسیر الصافی فی تفسیر القرآن نوشته ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن تألیف سید هاشم بحرانی، تفسیر نور الثقلین از عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر جامع از سید ابراهیم بروجردی، التفسیر الأثری الجامع از محمد هادی معرفت، تفسیر اهل البيت علیهم السلام از علیرضا برازش و تفسیر اهل البيت علیهم السلام از نجاح الطائی (جلایان و همکاران، ۱۴۰۱، ۲۷/۱).

۶-۶. فقه و حدیث

اگر احادیث شیعه را یک مجموعه در نظر بگیریم هر امامی در این مجموعه نقش ویژه‌ای دارد. با اینکه احادیثی که به ما شیعیان رسیده غالباً از امام باقر و امام صادق علیهما السلام است و فقه شیعه را فقه جعفری نامیده‌اند اما اعتقادات ما رضوی است و بیشتر احادیث اعتقادی ما از امام رضا علیه السلام روایت شده است. علت اینکه احادیث امام رضا اعتقادی است به خاطر این است که در دوران امامتشان، اصحاب، رسانه در اختیار داشتند و این اصحاب سخنان امام را مکاتبه می‌کردند. بدین ترتیب بسیاری از احادیث امام رضا علیه السلام به جای مانده است و علمای شیعه آن را در کتب خود آورده‌اند که در اینجا به ذکر چند نمونه از مهم‌ترین کتب شیعه پرداخته می‌شود. در میان تشیع چهار کتاب حدیثی از اهمیت و اعتبار زیادی برخوردار است که به آن‌ها، کتب اربعه گویند.

الإستبصار و تهذیب الأحکام: این دو کتاب تألیف شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی است که مشتمل بر روایات فقهی و احکام شرعی است و مورد قبول تمام علما و فقهای شیعه می‌باشد. بعد از شیخ طوسی تا حدود یک قرن، دیگر خبری از تدوین مجموعه‌های حدیثی نبود و حالت رکود و فترتی پیش آمده بود که یکی از دلایل آن را سیطره و تسلط علمی شیخ طوسی در بسیاری از علوم، بخصوص فقه و حدیث بر شمرده‌اند. مقبولیت مطلق وی در جهان شیعه نزد علما و محدثان و عموم مردم، چنان بالا گرفت که دو اثر ارزنده وی را از ارکان چهارگانه یا کتب اربعه شیعه امامیه دانستند و او را «شیخ الطائفه» لقب دادند و دیگر عالمان شیعی را یارای مقابله با افکار و نظریات شیخ نماند و تا سال‌ها هر چه تألیف می‌گردید، بیشتر تقلید و اقتباس از آرای او بود (وفایی، ۱۳۹۰، ۲۱/۱).

علمای اهل سنت به جایگاه والای امام رضا علیه السلام اعتراف دارند و برای وی احترام زیادی قائل‌اند. از نظر اهل سنت جایگاه علمی و حدیثی امام رضا علیه السلام از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را در کتب صحاح سته بیان کرده‌اند. برخورد بزرگان اهل سنت مانند ابن حبان بستی، ابوبکر بن خزیمه و عدیله بن ابی علی ثقفی با امام رضا علیه السلام جالب و قابل توجه است. این علما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. چنان که مثلاً ابن حبان بستی را امام، علامه، حافظ، شیخ خراسان و حافظ نامیده‌اند (ذهبی، ۱۳۷۶، ۹۲/۱۶). جمعی از محدثین اهل سنت کتاب‌هایی درباره ائمه و احادیث و فضایل

آن‌ها نوشته‌اند. کتاب «الموطأ» مالک بن انس نخستین کتاب فقهی بود (مکی، ۱۳۸۳، ۲۱۳) از میان این کتاب‌ها ۶ مورد معروف‌تر از بقیه است که این شش مجموعه به صحاح سته معروف شده است. این کتاب در نزد اهل سنت معروف‌ترین کتب حدیثی است و علت نامگذاری به‌خاطر این است که اهل سنت تمامی احادیثی را که در این کتاب‌ها آمده، صحیح می‌دانند. از جمله:

۱- صحیح بخاری: نوشته محمد بن اسماعیل بخاری، متوفای ۲۵۶ هجری است (مفید(ب)، ۱۴/۱). این کتاب بزرگ‌ترین و کامل‌ترین کتاب حدیثی در نزد عامه است و شروح زیادی درباره آن وجود دارد.

۲- صحیح مسلم: نوشته ابوالحسین مسلم بن حجاج بن مسلم بن ورد قشیری نیشابوری است که در سال ۲۶۰ در نیشابور وفات کرده و بر این کتاب نیز شروح بسیار است.

۳- سنن ابوداود: نویسنده این کتاب سلیمان بن اشعث سجستانی است که در سال ۲۷۵ هجری در بصره وفات کرده است. این کتاب نیز شروح و تلخیص و حواشی زیاد بر آن نوشته شده است.

۴- سنن نسائی: سنن نسائی اثر ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی است که در مکه مکرمه در سال ۳۰۳ وفات کرده است.

صحاح ششگانه در نظر محدثان به یک مرحله از صحت و اعتبار نیست و صحیح بخاری و مسلم که عنوان «شیخین» دارند و آن‌ها را «صحیحین» مطلق گویند به اعتبار در صف اولند و به پندار اهل جماعت هر چه بخاری و مسلم آورده‌اند، قطعاً صحیح است و علم قطعی به صحت آن حاصل است (پاینده، ۱۳۸۲، ۱۰۷ و ۱۰۸).

کتاب‌هایی که در بالا ذکر شد جزء مهم‌ترین منابع فقهی-حدیثی شیعه و اهل سنت است که امروزه مورد استفاده محدثین و علما قرار گرفته است. در حقیقت روایت و حدیث یکی از مهم‌ترین ارکان احکام اسلامی به شمار می‌رود که جایگاه ویژه‌ای در انتقال ارزش‌های دینی دارد. هرچند این کتاب‌های حدیثی بعد از شهادت امام رضا علیه السلام نگاشته شد اما همه این آثار به‌خاطر برکت حضور امام رضا علیه السلام در خراسان است. حضرت رضا علیه السلام در هر مجلس و مکانی که حضور پیدا می‌کردند برای مردم سخنرانی می‌کردند و از اجداد خود احادیثی بیان می‌کردند. در این میان علما و کسانی که بهره‌ای از علم برده بودند سخنان و احادیث حضرت رضا علیه السلام را می‌نوشتند؛

اما این احادیث پراکنده بود و به صورت یکجا و کامل در دسترس نبود تا اینکه چندین سال بعد کتاب‌های حدیثی به همت علمای شیعه و اهل سنت جمع‌آوری و نگاشته شد، کتبی که در آن احادیث ائمه به‌طور جامع و کامل وجود دارد. در این میان اصول اربعمائه شیعه، بحار الأنوار، وسائل الشیعه و صحاح سته اهل سنت از مهم‌ترین کتاب‌های حدیثی به شمار می‌رود. در این کتاب‌ها احادیث تمامی ائمه معصوم بالأخص حضرت رضا علیه السلام وجود دارد. در واقع اگر حضور امام رضا علیه السلام در خراسان نبود شاید هیچ کتاب حدیثی از امام رضا علیه السلام و پدر بزرگوارشان نمی‌داشتیم.

۷-۶. توسعه علوم کلامی

دوران امام رضا علیه السلام از جمله دورانی است که بحث‌های کلامی از ناحیه جریان‌ات گوناگون فکری به سرعت رو به رشد و توسعه گذاشته و در زمینه‌های مختلف اختلاف نظر پدید آمد. دو گروه معتزله و اهل حدیث در برپایی این جدل‌ها و کشمکش‌های فکری بیشترین سهم را دارا بودند که امام علیه السلام کوشیدند تا در برابر این دو گروه موضع خود را به درستی بیان نمایند. مهم‌ترین مباحث کلامی که امام رضا علیه السلام به آن پرداخته‌اند عبارت‌اند از: توحید، صفات خدا، امامت، رهبری و مسائل متفرع بر آن. امام علیه السلام از فرصت پیش آمده در مناظرات نهایت استفاده را برای نشر حقایق دین نموده و در دفاع از حقانیت اسلام، توجیحات عقلانی ارائه می‌فرمایند (منصور زعیم، ۱۳۹۳، ۱۰۹-۱۱۰).

همچنین حضور امام رضا علیه السلام در خراسان پیامدهایی داشته که امروزه در جامعه ما تجلی یافته است. از جمله این برکات عبارت است از:

۸-۶. وجود قدمگاه‌ها

قدمگاه، عنوان عمومی برخی مکان‌های زیارتی در جهان اسلام است که در آن‌ها جای پای انبیا و اولیا و مقدّسان بر سنگ، مورد احترام و تکریم قرار می‌گیرد. معروف‌ترین قدمگاه در ایران، قدمگاه نیشابور است. قدمگاه نیشابور در ۲۴ کیلومتری مشرق نیشابور کنونی است که هرچند به دستور شاه عباس اول بر بقایای بنایی دیگر ساخته شده، به باور عمومی، نقش کف پاهای انسان بر سنگی سیاه که در دیوار داخل این بنا نصب شده، جای پاهای امام رضا علیه السلام است که امروزه مردم از آن قدمگاه تبرک می‌جویند

و در آن نماز و قرآن و دعا می‌خوانند (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۳، ۷۱۹۵/۱). مسجد امام رضا علیه السلام در اهواز نیز یکی از قدیمی ترین نقاطی است که در ایران به نام امام رضا علیه السلام وجود دارد (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ۴۹۶/۲). سه بقعه به نام امام رضا علیه السلام وجود دارد که دو مورد از آن در شهر شوشتر و یکی در شرق این شهر، مشرف به رودخانه شلیط است. در یزد نیز چند قدمگاه وجود دارد. از جمله خرائق (مشهدک) است که در ۶۰ کیلومتری یزد واقع شده است (همان، ۵۲۳).

۹-۶. آستان قدس رضوی، مساجد، موزه ها و کتابخانه ها

حرم مطهر رضوی که در شهر مشهد قرار دارد تاریخی طولانی دارد و در طول سالیان دراز، بارها مورد تخریب و تعمیر قرار گرفته است. این بارگاه برای شیعیان منظره‌ای از بهشت برین را عرضه می‌کند و کانون احترام و مرکز ستایش و نیایش است که وسعت و عظمت و شکوه این مکان شریف موجب علاقه بسیار زائرین شده است (صبوری، ۱۳۹۳، ۶).

یکی از برکات حضور امام رضا علیه السلام در ایران، آستان قدس رضوی است. تولید آستان قدس از آغاز دوران صفوی و رسمی شدن مذهب تشیع در ایران اهمیت یافت که توسط پادشاه وقت تعیین می‌گردید. مشهور است که مأمون عباسی پیش از شهادت علی بن موسی الرضا قبه‌ای بر فراز قبر هارون الرشید ساخته بود که علی بن موسی الرضا نیز در زیر همان قبه به خاک سپرده شد. اکنون نیز ۲ متر از دیوار حرم که بنای آن منسوب به مأمون است و بقیه بنا روی همان دیوار قرار دارد. پس از آن تا روزگار دیلمیان، نشانه‌ای حاکی از تجدید بنا یا مرمت حرم در دست نیست، ولی مسلم است که زیارت حرم در میان شیعیان رواج داشته است (عطاردی، ۱۳۷۱، ۶۲۸/۲).

در این مکان مقدس، مسجد گوهرشاد، یکی از باشکوهترین و زیباترین مساجد ایران است که بین سالهای ۸۰۷ تا ۸۲۱ ق به دستور گوهرشاد همسر شاهرخ تیموری ساخته شده است (زنگنه، ۱۳۷۶، ۱۸۵). مسجد گوهرشاد نیز بر اثر عوامل طبیعی و انسانی بارها مورد تخریب قرار گرفته و مجدداً تعمیر شده است.

از دیگر برکات امام رضا علیه السلام ایجاد موزه، کتابخانه و مدارس است. بخش مهمی از فعالیت‌های فرهنگی آستان قدس در حوزه موزه و کتاب جای می‌گیرد. موزه و کتابخانه

آستان قدس رضوی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین گنجینه‌های ایران به‌شمار می‌روند که در بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام قرار دارند. ایجاد حوزه علمیه مشهد، آستان قدس رضوی، موزه و کتابخانه آستان قدس رضوی، مدارس و مسجد گوهرشاد از برکات حضور امام رضا علیه السلام در خراسان است که علاقه‌مندان و شیفتگان امام به‌خاطر ارادتشان به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام این بناها را سال‌ها بعد از شهادت امام رضا علیه السلام احداث کردند تا یاد آن بزرگوار همیشه در دل‌ها زنده بماند.

۱۰-۶. مدارس و حوزه علمیه مشهد مقدس

امام رضا علیه السلام در خراسان اقدام به تشکیل حوزه‌های علمیه کرده و در مسجد مرو و در منزل خود حوزه‌های علمیه تشکیل دادند که باعث شیفتگی مردم به ایشان شد اما کمی بعد، مأمون مردم را از مجلس حضرت طرد و بیرون کرد. امام نیز او را نفرین کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۱۷۲/۲) به تدریج حوزه‌های علمیه سرتاسر ایران ایجاد شد که حوزه علمیه مشهد، امروزه یکی از معتبرترین حوزه‌های علمی شیعه است.

حوزه علمیه مشهد خاص این شهر نیست بلکه به خراسان بزرگ اختصاص دارد؛ چرا که این دوره عصر حضور امام رضا علیه‌السلام را در بر می‌گیرد و امام تنها در یک شهر ساکن نبودند، بلکه از مدینه تا خراسان در طی عبور از شهرهای مختلف به نشر معارف علوی اهتمام داشتند. این حوزه علمی سیار در حالی به ایفای نقش پرداخته که امام از سوی رژیم غاصب عباسی، در محاصره کامل قرار داشت و راههایی انتخاب شد که امام از دسترس شیعیان دور باشد. ورود امام رضا علیه السلام به مرو هم‌زمان با توطئه دیگری بود که مأمون برای از میان بردن فرهنگ شیعی در خصوص «علم لدنی» امام پی افکنده بود. بعد از شهادت امام رضا علیه السلام در سناباد، شیعه این مکان را مرکز علمی خویش قرار داد (سید کباری، ۱۳۸۷، ۱ و ۴). این دوره از قرن سوم تا نهم هجری را شامل می‌شود که در آن بزرگانی چون شیخ طبرسی، شیخ طوسی، شیخ منتخب الدین، جرجانی و بیهقی زندگی می‌کردند (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۷۲، ۱۶/۲ و ۲۱۷).

کهن‌ترین اطلاع درباره وجود نهاد مدرسه در مشهد مربوط به اوایل قرن هشتم است، زمانی که ابن‌بطوطه در دیدار خویش از مشهد، ضمن توصیف ساختمان بقعه امام رضا

علیه السلام، از وجود مدرسه‌ای در مجاورت آن خبر داد. در مشهد و اطراف حرم مطهر تعدادی مدارس قدیمی وجود داشته که بعضی از آن مدارس هم‌اکنون نیز وجود دارد، از جمله آن مدارس قدیمی می‌توان به مدرسه پریزاد، مدرسه بالاسر، مدرسه مستشار، مدرسه نواب، مدرسه دو در، مدرسه میرزا جعفر، مدرسه عباسقلی خان و... اشاره کرد. مهم‌ترین مدرسه عالی مشهد که اینک دروس سطح عالی و خارج در آن عرضه می‌شود مدرسه آیت الله خوئی است که در واقع یک مجتمع بزرگ آموزش علوم اسلامی است (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۳، ۶۶۴۳/۱).

نتیجه گیری

با امعان مطالب مطروحه می‌توان می‌گفت که امام رضا علیه السلام با مدیریت فرهنگی و تلاش چشمگیر، نقش بسزایی در اعتلا و حفظ فرهنگ شیعه داشتند. ایشان با اصرار مأمون مجبور به پذیرش ولایتعهدی شدند و قبول این سمت گرچه با اکراه صورت گرفت، اما یکی از ابعاد مدیریت فرهنگی امام رضا علیه السلام است.

۱. این سفر و هجرت به خراسان در حالی صورت گرفت که حکومت آن را برنامه ریزی کرده بود و چون قصد بهره برداری سیاسی از هجرت و واگذاری ولایتعهدی داشت، در بعد اطلاع رسانی آن نیز سرمایه گذاری کرد. امام علیه السلام با حضور فعال در مناظره ها و بحث های علمی، به نشر معارف اسلامی پرداختند و با صبر و حوصله در برخورد با شبهه ها، نقش مهمی در ابطال نظر نادرست و جلب نظر دانشمندان سایر مکاتب داشتند و در عمل با «مدیریت فکری و فرهنگی» باعث نشر عقاید شیعه شدند.

مدیریت مدبرانه ایشان باعث تعالی جایگاه قرآن و عترت در جامعه شد و با احیای اسلام ناب محمدی، به تبیین اصل امامت پرداخته، باعث رشد علمی و فرهنگی و توسعه شیعه شدند. امام رضا علیه السلام ضمن سازماندهی عقاید و باورهای شیعه، مبانی کلامی تشیع را به کمال رسانده، در عین حال شیعه را از طوفان های آسیب و انحراف، محفوظ داشتند.

در حقیقت، بخشی از اقدامات حضرت عبارت است از الف) تبیین جایگاه امامت در مقابل همه مسلمانان و فرقه‌هایی چون واقفیه که بر امامت امام کاظم علیه السلام باقی بوده و امامت امام رضا علیه السلام را قبول نمی‌کردند. و ب) پاسخگویی به شبهات علمی،

- عقیدتی و حراست از عقاید مردم، خصوصاً صیانت از شیعه.
۲. سفر تاریخی امام رضا علیه السلام به خراسان برکاتی داشته است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. امام رضا علیه السلام در ایران از شهرهایی چون نیشابور، رباط سعد، سرخس و مرو عبور کردند و از همان بدو ورود به خراسان سعی کردند از این فرصتی که ایجاد شده در جهت ترویج اسلام استفاده کنند.
۳. مأمون به‌خاطر علاقه به علم و دانش، جلسات مناظره تشکیل داد و برای به چالش کشیدن امام از وی خواست که در این محافل شرکت کند و با ادیان و مذاهب مختلف مناظره کند. امام با تسلطی که بر نصوص و منابع ادیان مختلف داشت با آنان مناظره کرد. این گفتمان تمدنی منجر به پذیرش و اعتراف بزرگان ادیان به مقام والای حضرت رضا علیه السلام شد و تمامی سیاست و نقشه‌های پلید مأمون که تحقیر امام بود با شکست روبه‌رو شد. در واقع این گفتمان تمدنی یکی از مهم‌ترین برکات معنوی حضور امام رضا در خراسان بزرگ است.
- نتایج این تلاش‌های علمی برای شیعه و معتقدان به امامت بسیار مغتنم بود و برای جهان اسلام افتخاراتی بزرگ داشت و در تعالی فرهنگی تأثیر مهم از آن جهت که هیچ یک از رهبران فرقه‌های اسلامی قادر به پاسخگویی شبهات عقلی حاصل از ورود افکار فلسفی یونان نبودند. اما در این دوره امام رضا علیه السلام در فرصت‌های مختلف تمام شبهات را پاسخ داد. هیچ یک از رهبران فرق اسلامی قادر به مناظره با رهبران ادیان دیگر نبودند، ولی امام رضا علیه السلام با تمام آن‌ها مناظره و بر آنان چیره می‌شد. این دستاوردهای بزرگ خود سبب ثبات، گسترش اسلام، احیای سنت پیامبر و مایه اقتدار مسلمانان بود.
۴. امام در خراسان شاگردانی تربیت کردند که تا آخرین لحظات عمر امام رضا علیه السلام همراه ایشان بودند و از علم و دانش امام بهره بردند و توانستند خدمات ارزنده‌ای برای جامعه بشری داشته باشند.
۵. از دیگر برکات امام در خراسان، تألیف کتاب‌هایی از امام رضا علیه السلام و علمای شیعه و سنی درباره فقه، تفسیر قرآن، احادیث و فضائل ائمه علیهم السلام است. به عبارت دیگر بیان احکام اسلام و بیان صدها روایت در موضوعات مختلف کلامی، فقهی، بهداشتی، اجتماعی، اخلاقی و...
۶. ایجاد ساختار عظیم آستان قدس رضوی، ایجاد حوزه علمیه مشهد، قدمگاه نیشابور،

ایجاد موزه، کتابخانه و مدارس و مسجد گوهرشاد از برکات وجودی حضرت رضا علیه السلام در خراسان بزرگ است. در حقیقت برکت وجودی امام رضا علیه السلام در خراسان بزرگ بود که توانست پشتوانه ارزشی مهمی برای تمدن و فرهنگ ایران بسازد. در حقیقت همواره مدنیت ایران و بالأخص خراسان بزرگ مدیون خدمات گرانقدر امام هشتم، علی بن موسی الرضا علیه السلام بوده است. برکات حضور امام رضا علیه السلام در ایران باعث شد که سنگ بنای فرهنگ شیعی گذاشته شود و این برکات تا قیامت ادامه خواهد داشت و خراسان به برکت حضور امام رضا علیه السلام منطقه‌ای برای رشد ولایت، جایگاه امامت و بستر سازی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه شد.



منابع و مأخذ

۱. آقا بزرگ طهرانی، محمد حسن، *طبقات اعلام الشیعه*، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۲ ش
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ش
۳. -----، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، بی جا، نشر صدوق، ۱۳۷۳ ش.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، بی جا، بی نا، بی تا.
۵. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *المعارف*، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۳ ش.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۷. اصطخری، ابراهیم بن محمد، *المسالك والممالک*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۸. اکبری، امیر، «قلمرو حکومت طاهریان و اهمیت شهرهای اربعه خراسان»، پژوهشنامه تاریخ، ش ۱۹، ص ۴۸-۱۹، ۱۳۸۹ ش.
۹. اکبری، امیر، *عوامل سیاسی حضور امام رضا علیه السلام در خراسان*، مشهد، انتشارات پیشگامان خرد مینو، ۱۳۹۵ ش.
۱۰. بهداروندی، هادی، *بررسی سندی و دلالی روایات تفسیری امام هفتم علیه السلام و امام هشتم علیه السلام در کتب اربعه* (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه اصول الدین، دزفول، ۱۳۹۵ ش.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. جعفر آقایی، محمدرضا، «ویژگی های بنیادین شکوفایی تمدن اسلامی، تلفیقی بودن و وحدت فرهنگی»، راهبرد فرهنگ، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۱۰۰-۱۱۳، ۱۳۹۰ ش.
۱۳. جلائیان اکبرنیا، علی و همکاران، *بررسی تحلیلی روایات تفسیری امام رضا علیه السلام*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۰۱ ش.
۱۴. خامنه‌ای، سید علی، رهبر انقلاب اسلامی، *انسان ۲۵۰ ساله*، تهران، موسسه جهادی مرکز صهبا، ۱۳۹۱ ش.
۱۵. دانشنامه جهان اسلام، *موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی*، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۶. دورانت، ویلیام جیمز، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۳۷ ش.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، ج ۱۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.

۱۷. ذهبی، محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء و بهامشه احکام الرجال من میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. رحمانی، امیر و قربانخوانی، محسن، «*بررسی تاریخ و تمدن شهرهای خراسان بزرگ نمونه موردی: سمرقند، هرات، بلخ و مرو*»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه خراسان بزرگ، ش ۹، ص ۱۸-۹، ۱۳۹۱ ش.
۱۹. رهنمایی، سید احمد، *نشریه معرفت*، ش ۹۵، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۰ ش.
۲۰. زنگنه، ابراهیم، «*حرم مطهر رضوی و رویدادهای مهم آن*»، فصلنامه شکوه، ش ۵۶ و ۵۷، ص ۱۶۵-۱۸۷، ۱۳۷۶ ش.
۲۱. زیدان، جرجی، *تاریخ التمدن الاسلامی*، بیروت، مکتبه الحیاه، ۱۹۹۷ م.
۲۲. سازندگی، محمد تقی، *مواضع امام رضا علیه السلام نسبت به وضعیت فرهنگی و تمدنی در دوره اول عباسی* (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه معارف اسلامی، ایران، ۱۳۹۴ ش.
۲۳. سبحانی، محمد تقی، *آیین پژوهش*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹ ش.
۲۴. سید کباری، علیرضا، *تاریخ حوزه علمیه مشهد*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷ ش.
۲۵. شفیعی سروستانی، اسماعیل، *تفکر فرهنگ و ادب، تمدن، تهران، انتشارات پیام*، ۱۳۸۷ ش.
۲۶. صالحی، سیدعباس، *نشریه حوزه*، ش ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ش.
۲۷. صبوری، محمد علی، *حرم مطهر امام رضا در مشهد*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۹۳ ش.
۲۸. طبری، محمدبن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوعلی محمد بلعمی، تهران، بی نا، بی تا.
۲۹. عرفان منش، جلیل، *جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ ش.
۳۰. عطاردی، عزیزالله، *تاریخ آستان قدس*، تهران، طبع و نشر، ۱۳۷۱ ش.
۳۱. علی بن موسی علیه السلام (الف)، *امام هشتم، طب الرضا علیه السلام*، مشهد، انتشارات

- آستان قدس رضوی، بی تا.
۳۲. علی بن موسی علیه السلام (ب)، امام هشتم، *صحیفه الرضا علیه السلام*، ترجمه علاء الدین حجازی، مشهد: انتشارات ندای اسلام، ۱۳۶۴ ش.
۳۳. علی بن موسی علیه السلام، امام هشتم، *الفقه المنسوب للامام الرضا علیه السلام و المشتهر ب(فقه الرضا)*، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیهم السلام، ۱۳۶۴ ش.
۳۴. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، انتشارات کبیر، ۱۳۷۶ ش.
۳۵. فروخ، عمر، *تاریخ الادب العربی*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ ش.
۳۶. فضل الله، محمدجواد، *تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام*، ترجمه سید محمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.
۳۷. قانع، احمد علی، *علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن*، تهران، انتشارات باور عدالت، ۱۳۷۱ ش.
۳۸. قرشی، باقر شریف، *حیاه الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام در اسه و تحلیل*، قم، سعید بن جبیر، ۱۳۸۰ ش.
۳۹. قهپی کرمی، محمدتقی، *جستاری در باب تمدن*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۴۰. کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، *مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ ش.
۴۱. گیرشمن، رومن، *ایران؛ از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲ ش.
۴۲. معینی، محمدجواد و ترابی، احمد، *امام علی بن موسی الرضا علیه السلام منادی توحید و امامت*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱ ش.
۴۳. مفید (ب)، محمد بن محمد، *المسائل العکبریة الکافئه*، العویص. قسم من رساله المتعه، بیروت، دارالمفید، ۱۳۷۲ ش.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، *مناظرات تاریخی امام رضا علیه السلام با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸ ش.
۴۵. مکی، محمد کاظم، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ترجمه محمد سپهری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳ ش.

۴۶. منصور زعیب، طاهره، بررسی پیامدهای ورود امام رضا علیه السلام به ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، ۱۳۹۳ ش.

۴۷. ولایتی، علی اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶ ش.

۴۸. هانتینگتون

۴۹. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.



The Impact of Shi'ism on the Culture and Civilization of Greater Khorasan Based on the Strategic Position and Role of Imam Reza (AS)

Abstract

The most important feature of the Imamate of Imam Reza (AS) was his presence in the cradle of culture and civilization of Greater Khorasan. The expansion of the Islamic Caliphate during the reign of Ma'mun to Khorasan and the banks of the Jihoon River, while a sign of the spread of Islam, was a cause for concern, as it brought Islam into contact with the cultures and civilizations of various religions that challenged the civilizational and scientific aspects of Islam. One historical interpretation is that Ma'mun himself had some knowledge and, realizing this challenge in time, and after the helplessness of himself and his entourage, resorted to the scholar of the Ahl al-Bayt, Imam Reza (AS), and therefore insisted on his presence in the Caliphate court.

The Imam (AS) also took advantage of this opportunity and had numerous discussions with various groups during his short stay in Khorasan. This descriptive-analytical study shows that the stance and activities of the Imam (AS) in the field of culture and civilization of Khorasan were able to pave the way for the growth and flourishing of the achievements of this civilization with an Islamic hue.

As a result, the scientific feedback and blessings of the Imam's blessed presence in Khorasan can be seen in the compilation and editing of the most important hadith-scientific sources of Islam, namely the two books of Shaykh al- Toosi from the four books of



the Shi'a and the Sahih of Bukhari, Nasai, and Tirmidhi from the six Sahihs of the Sunnis, the revival of the tradition of the Prophet of God and the Imams (AS), the clarification and consolidation of Islamic knowledge, the training of elites, enlightenment and insight, and finally the flourishing of Shi'ism and the introduction of all Islamic sects to his Imamate.

Keywords: Imam Reza (AS), Greater Khorasan, Civilization, Civilizational Discourse.

